

وزارت بازرگانی، حیات خلوت یقه سفیدهای واردات چای

در این خصوص خبر داده بودند و چند روز پس از آن به طرز مشکوکی تعرفه واردات برنج از ۱۵۰ به صفر رسید. کاهش تعرفه‌ها هرچند که اعتراض‌های بسیاری را به همراه داشت ولی حداقل برای واردکنندگان برنج سودی رؤیایی به همراه آورد چراکه آنان مدت‌ها قبل از اینکه ستاره بختشان در آسمان گرانی طلوع کند موفق شده بودند زمینه‌های پرواز را مهیا سازند.

یک مقام کشاورزی کشور در قائله واردات برنج درباره دخالت مستقیم مقامات بازرگانی در حمایت از مافیای برنج اظهار نظر تکان دهنده ای کرد: ایشان پول را داده‌اند یعنی ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار هزینه از بیت‌المال کرده‌اند و حالا مدعی‌اند که این واردات آنها قابل مصرف نیست. این خود اقدامی عجیب است. اصلی‌ترین تاجر واردکننده برنج دولت است. این بازی با تعرفه‌ها به خصوص در مواد مصرفی همان دست‌های پنهانی است که رئیس‌جمهور متهم می‌کند به مافیا. حالا این مافیا کجاست تنها در جایی دیده می‌شود که قدرت وجود دارد.»

چای هم از این قاعده مستثنی نیست. چای یکی از محصولات پر مصرف در کشور است که تولید داخلی آن از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر بوده و ظرفیت‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد، اما با وجود تولید داخلی چای و به رغم آنکه بخش مهمی از کشاورزان کشور خصوصا در منطقه شمال از طریق تولید و فروش آن امرار معاش می‌کنند، مافیای قاچاق چای واردات این محصول چه به صورت قانونی و البته اکثرا به صورت غیر قانونی و قاچاق سبب شده تا شاهد رکود در تولید داخلی این محصول، ورشکستگی کارخانه‌های چای، انباشتن ۲۰۰ هزار تن چای تولیدی در دست کشاورزان و تغییر ذائقه مصرف کنندگان باشیم..

آیا شبکه‌های اقتصادی قدرتمند که با سو استفاده از کاغذ بازی و ارتباطات با آدم‌های خاص به فعالیت‌های در ظاهر قانونی و در باطن فساد آمیز می‌پردازند، فقط در سیسیل یا نیویورک هستند؟ گرچه فعالیت‌های قارچی «یقه سفیدها» در «تجارت غیر منصفانه شکر و چای» به دولت نهم باز نمی‌گردد اما رشد قارچی یقه سفیدها که سردمدار مافیای شکر در چهار سال گذشته بودند نشان دهنده آنست که لابی شکر و به بیان بهتر مافیای شکر تحت عناوین خاص در ساختار سیستم اقتصاد و بازرگانی کشور ریشه دوانده‌اند.

مافیای وارد کننده شکر، با عرضه ارزان تولیدات خارجی مانع کار مجتمع‌ها و کارخانه‌های داخلی با ظرفیت کامل می‌شود تا در کسادی این بازار به اهداف صرف اقتصادی خویش دست پیدا کند.

صحبت از مافیای شکر و یا مافیای نفتی صحبت مثنوی‌های هفتاد من کاغذ است. لابی قدرتمندی که بودجه ای را از سال ۸۲ تا به حال معطل می‌کند، دلالتان را در راس نگاه می‌دارد، شرکت تولید قند و تصفیه شکر اهواز را به نیم بها می‌خرد، باعث می‌شود دولت نقدینگی کارخانه‌های قند و شکر را به موقع تامین نکند تا شکر به واسطه‌ها فروخته شود. مافیایی که مجتمع کشت و صنعت چغندر قند دزفول، که زمانی بزرگترین مجتمع تولید شکر در خاورمیانه بوده است را اکنون در معرض انهدام کلی قرار می‌دهد.

در روزگاری که برنج کاران ایرانی در شمال ایران به این امید به برداشت برنج می‌پرداختند که آنرا در بازار ایران بفروشند، آقایان در حال تاسیس شرکت‌های خصوصی ای بودند که به واردات برنج نامرغوب و فروش آن به قیمت چند برابر در جریان گرانی نجومی برنج بپردازند و برنج ایرانی مرغوب را به قیمتی پرسود به کشورهای هدف صادراتی بفروشند. پیش از گرانی سال گذشته برنج برخی محافل آگاه از لابی‌های پنهانی

خانه صنعت و معدن
استان تهران
تولید
مهر

۱۴

شماره ۵۶

مهر ماه ۸۸